ناصر طاهرنیا

درنگی بر سعدی و کتاب گلستان او

من همان خاکم که هستم

گِلی خوش‌بوی در حمام روزی
رسید از دست محبوبی به دستم
بدو گفتم که مُشکی یا عبیری
که از بوی دلاویز تو مستم
بگفتا من گِلی ناچیز بودم
ولیکن مدتی با گُل نشستم
کمال هم‌نشین در من اثر کرد
و گر نه من همان خاکم که هستم

عکس: هاتف همایی

این شعر **سعدی** را شاید بارها شنیده یا خوانده‌اید و آن را به گونهٔ تمثیل نیز به کار برده‌اید. آن‌چه در این شعر بیش از هر چیز دیگری جلوه می‌کند، سادگی، روانی و صمیمیت آن است. کلام سعدی از روشنی و روانی «سهل و ممتنع» است. یعنی همهٔ مردم به راحتی می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند و معانی سخنان وی را درک کنند، اما هیچ‌کس نمی‌تواند هم‌چون سعدی سخن بگوید. سخن او شیرین، نمکین و در عین حال فصیح و بلیغ است. بیانش گویی آب زلالی است که بر تن و جان شنونده اثر می‌کند و دلش را جلا می‌بخشد.

او شاعر لحظه‌های خوش و دوست داشتنی است. حکایات و اشعارش طی سالها سینه به سینه از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده و در یادها جاودان مانده است. دوستی، عشق، ایثار و آرامش در اشعارش موج می‌زند. «سعدی سلطان ملک سخن است؛ کلام در دست او مانند موم است. هر معنایی را به عبارتی ادا می‌کند که از آن بهتر، زیباتر و موجزتر ممکن نیست.»*

نثرش شیرینی شعر و شعرش روانی نثر را دریافته است. غالب عبارات سعدی کلمات قصار و اشعارش مَثَلِ سایر است. او یک جهان معنی را در قالب الفاظی کوتاه می‌ریزد. نمونه‌های زیر قطره‌ای است از دریا:

- اگر شبها همه قدر بودی، شب قدر بی‌قدر بودی
- مشک آن است که خود ببوید نه آن که عطار بگوید
- یکی را گفتند: عالم بی‌عمل به چه ماند؟ گفت: به زنبور بی‌عسل.

رهاورد سفر

سعدی در اوایل قرن هفتم هجری در شهر زیبای شیراز به دنیا آمد، در روزهای رویایی کودکی، در کوچه باغهای شیراز دوید، بازی کرد و از دنیای اطرافش نکته‌ها آموخت. او عاشق و دلباختهٔ سفر بود. برای همین در جوانی به شهر افسانه‌ای بغداد رفت و در آن‌جا به فراگیری علم و ادب پرداخت. پس از آن او به سفری دور و دراز و پر خاطره رفت. این سفر ۳۵ سال طول کشید. او به شهرها و کشورهای متفاوت دنیا سفر کرد و با فرهنگها و مذاهب مختلف آشنا شد. زندگی پادشاهان، گدایان، دزدان، عابدان و طبقات دیگر مردم را از نزدیک مشاهده کرد و سرانجام بعد از سالها خانه به دوشی، با دنیایی از تجربه‌های معنوی به زادگاهش شیراز بازگشت و در آن‌جا آرام و قرار گرفت.

رهاورد سفر شیخ شیراز دو کتاب جاویدان «بوستان» و «گلستان» اوست. جهان بوستان مدینهٔ فاضله و بهشت گمشدهٔ سعدی است و دنیای گلستان دنیایی واقعی است با همهٔ خوبیها، بدیها، شیرینیها، تلخیها و حتی تضادها و تناقضهایش. گلستان حاصل تجربیات رنگارنگ و عبرت انگیز سعدی است. «گلستان» خود گلستانی است به پهنای جهان، زیرا گلهای ادب، دانش و حکمت آن در سراسر این دنیای بزرگ عطرافشانی کرده است و هیچ‌گاه طراوت خود را از دست نمی‌دهد :

به چه کار آیدت ز گل طبقی
از گلستان من ببر ورقی
گُل همین پنج روز و شش باشد
وین گلستان همیشه خوش باشد

سعدی از نگاه بزرگان

■ **امام خمینی (ره):**
شاعر اگر سعدی شیرازی است
بافته‌های من و تو بازی است

■ دکتر **ذبیح الله صفا**، مورخ ادبی: فصاحت و شیوایی کلام سعدی در سخن به پایه‌ای است که واقعاً او را سزاوار عنوان «سعدی آخر الزمان» ساخته است.

■ **محمد علی فروغی**، مصحح کلیات سعدی: برخی می‌گویند سعدی ۷۰۰ سال پیش به زبان امروزی ما سخن گفته است. ولی حق این است که ما پس از ۷۰۰ سال، به زبانی که از سعدی آموخته‌ایم، سخن می‌گوییم. یعنی سعدی شیوهٔ نثر فارسی را چنان دل‌نشین ساخته که زبان او زبان رایج فارسی شده است.

■ **استاد همایی**، شاعر و محقق: سعدی نه تنها شاعر و نویسنده، بلکه از بزرگان فلاسفهٔ اجتماعی و متفکران جهان است که نظیرش کمتر در ملتی دیده شده است.

گلی از گلستان

حاکم ستمگر

روزی از روزها، حجّاج که حاکم سخت‌گیر و ستمگری بود، در کاخ زیبای خود در بغداد نشسته و مشغول گفت‌وگو با درباریان و زیردستانش بود. آنها خبرهای تازه‌ای را از گوشه و کنار عراق برای او بیان می‌کردند. یکی از آنها در بین حرفهایش گفت: «ای حاکم بزرگ! به تازگی درویشی به بغداد آمده است که رفتار عجیبی دارد و هر دعایی که می‌کند، بلافاصله برآورده می‌شود.»

حجّاج به محض شنیدن این خبر، دستور داد او را پیدا کنند و نزدش بیاورند. وقتی درویش را می‌آورند، حجّاج به او می‌گوید: «ای درویش! می‌گویند دعای تو زود مستجاب می‌شود؛ دعای خیری برمن بکن.»

درویش دستهایش را رو به آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا جانش را بگیر.»

حجاج با عصبانیت گفت: «این چه دعایی است که در حق من می‌کنی؟»

درویش پاسخ داد: «این دعای خیر است برای تو و همهٔ مسلمانان تا آنها از دست ظلم و ستم تو رهایی یابند و تو نیز بیش از این به گناه و معصیت نپردازی.»

تصویرگر: میثم موسوی

پی‌نوشت
*تعبیر از محمد علی فروغی است.

منابع

۱. گلستان سعدی. به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. انتشارات خوارزمی. ۱۳۶۸.
۲. کلیات سعدی به تصحیح محمد علی فروغی. انتشارات امیر کبیر. ۱۳۶۲.